



مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی
تحقیق در علوم انسانی

دکتر محمد تقی ایمان
(دانشیار دانشگاه شیراز)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
گروه فلسفه علوم انسانی
بهار ۱۳۹۰

ایمان، محمدتقی، ۱۳۳۷ -
مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی / مؤلف محمدتقی ایمان. - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
ده، ۴۷۳ ص.: جدول، نمودار. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۷۲: فلسفه علوم انسانی؛ ۲)
ISBN: 978-600-5486-27-8
بها: ۵۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۴۴۳] - ۴۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. علوم انسانی - تحقیق. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
م ۲ الف ۹ / AZ ۱۸۶
شماره کتابشناسی ملی
۰۰۱/۳
۱۹۲۵۴۳۴



مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی

مؤلف: دکتر محمدتقی ایمان (دانشیار دانشگاه شیراز)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۱۷۲؛ فلسفه علوم انسانی ۲)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۰ (چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۲۱۱۱۱ (۰۲۵۱) انتشارات: ۲۱۱۱۲۰۰

شماره: ۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۲۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☎ تلفن: ۱ - ۶۶۹۷۸۹۲۰

www.rihu.ac.ir

Email:info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته‌های جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مدیریت، پرستاری و علوم تربیتی جهت دروس روش‌های کمی تحقیق، روش‌های کیفی تحقیق و فلسفه تحقیق پیشنهاد می‌گردد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم جناب آقای دکتر محمدتقی ایمان، ناظر محترم جناب آقای دکتر محمد خیر و دکتر سید حمیدرضا حسنی مدیر گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه سپاسگزاری و تشکر کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۳
فصل اول: چیستی تحقیق و معرفت علمی	۹
مشکل، مسئله و تحقیق علمی	۱۰
تحقیق علمی یا حل عقلایی مسئله	۱۲
فرایند تحقیق علمی و تولید معرفت علمی	۲۱
آسیب‌شناسی معرفت علمی در ایران	۲۴
فصل دوم: پارادایم‌های علم و تحقیقات علمی	۴۱
۱. هستی‌شناسی: معتقدیم چه چیزی وجود دارد؟	۵۱
الف) اثبات‌گرایی	۵۱
ب) تفسیرگرایی	۵۲
ج) انتقادی	۵۲
۲. معرفت‌شناسی: برای معرفت معتبر چه اثباتی می‌پذیریم؟	۵۲
الف) اثبات‌گرایی	۵۲
ب) تفسیرگرایی	۵۳
ج) انتقادی	۵۳
۳. روش‌شناسی: چگونه می‌توانیم معرفت معتبر و پایا تولید کنیم؟	۵۴
الف) اثبات‌گرایی	۵۴
ب) تفسیرگرایی	۵۴
ج) انتقادی	۵۴
۴. روش: چگونه می‌توانیم اطلاعات معتبر و پایا فراهم آوریم؟	۵۵
الف) اثبات‌گرایی	۵۵
ب) تفسیرگرایی	۵۵
ج) انتقادی	۵۵

۵۶	اثبات‌گرایی
۶۱	تفسیر‌گرایی
۶۸	انتقادی
۷۳	۱. ماهیت واقعیت
۷۳	۱-۱. اثبات‌گرایی
۷۴	۲-۱. تفسیری
۷۷	۳-۱. انتقادی
۸۰	۲. ماهیت انسان
۸۱	۱-۲. اثبات‌گرایی
۸۳	۲-۲. تفسیری
۸۵	۳-۲. انتقادی
۸۷	۳. ماهیت علم و هدف تحقیقات علمی
۸۸	۱-۳. اثبات‌گرایی
۹۱	۲-۳. تفسیری
۹۸	۳-۳. انتقادی
۱۰۲	۴. تبیین واقعیت
۱۰۳	۱-۴. اثباتی
۱۰۶	۲-۴. تفسیری
۱۰۹	۳-۴. انتقادی
۱۱۲	۵. جایگاه ارزش در علم
۱۱۲	۱-۵. اثباتی
۱۱۳	۲-۵. تفسیری
۱۱۵	۳-۵. انتقادی
۱۱۹	فصل سوم: رویکردهای تحقیق
۱۲۳	رویکرد کمی تحقیق
۱۳۳	رویکرد کمی تحقیق و برخی محدودیت‌ها
۱۴۱	رویکرد کیفی تحقیق
۱۴۵	مبانی روش‌شناختی رویکرد کیفی
۱۴۵	ملاک‌های عمومی روش‌شناسی کیفی
۱۵۱	پایه‌های نظری روش‌شناسی کیفی
۱۵۲	پدیدارشناسی
۱۵۶	کنش متقابل نمادی
۱۶۰	تفهّم

هرمون‌تیک	۱۶۲
طبیعت‌گرایی	۱۶۲
ویژگی‌های رویکرد کیفی تحقیق	۱۶۴
۱. اصالت دیدگاه مورد مطالعه	۱۶۴
۲. توصیف	۱۶۵
۳. زمینه‌گرایی (متن‌گرایی یا مضمون‌گرایی)	۱۶۶
۴. فرایند	۱۶۸
۵. انعطاف‌پذیری	۱۶۹
۶. نظریه	۱۷۲
اصول محوری روش‌شناسی کیفی	۱۷۳
۱. آزادی	۱۷۳
۲. تحقیق به عنوان ارتباط	۱۷۳
۳. فرایندی بودن تحقیق	۱۷۴
۴. انعکاس‌پذیری موضوع و تحلیل	۱۷۴
۵. توضیح	۱۷۴
۶. انعطاف‌پذیری	۱۷۴
بنیان‌های تحقیقاتی روش‌شناسی کیفی	۱۷۵
اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی	۱۷۷
فرایند طراحی یک تحقیق کیفی	۱۸۴
ساختار کلی تحقیق کیفی	۱۸۹
ارزیابی تحقیق کیفی	۱۹۴
محدودیت‌های رویکرد کیفی تحقیق	۲۰۴
فصل چهارم: مقایسه رویکرد کمی و کیفی تحقیق	۲۱۳
رابطه بین محقق و مورد مطالعه	۲۲۶
رابطه بین حقیقت و ارزش	۲۳۰
رابطه بین نظریه و تحقیق	۲۳۲
هدف تحقیق	۲۳۳
استراتژی تحقیق	۲۳۴
یافته‌های تحقیق	۲۳۶
تصور واقعیت اجتماعی	۲۳۷
تمایزات معرفت‌شناسانه و یا روش	۲۳۹
ترکیب تحقیق کمی و کیفی	۲۴۴
تاریخچه روش‌های ترکیبی	۲۵۱

۲۵۴	مبانی منطقی روش‌های ترکیبی تحقیق
۲۶۱	راهبردهای روش‌های ترکیبی تحقیق
۲۶۴	استراتژی تبیینی متوالی
۲۶۵	استراتژی اکتشافی متوالی
۲۶۶	استراتژی تبدیلی متوالی
۲۶۷	استراتژی زاویه‌بندی هم‌زمان
۲۶۸	استراتژی لانه‌ای (تعبیه‌ای) هم‌زمان
۲۷۰	استراتژی تبدیلی هم‌زمان
۲۷۵	فصل پنجم: پدیدارشناسی
۲۸۰	رهیافت‌های پدیدارشناسی
۲۸۸	زمینه‌های نظری پدیدارشناسی
۲۹۴	تکنیک‌های پدیدارشناختی
۲۹۵	فرایند تحقیق پدیدارشناسی
۳۰۱	فصل ششم: مردم‌نگاری
۳۰۶	مختصات مردم‌نگاری
۳۰۶	۱. مطالعه یک فرهنگ
۳۰۹	۲. دیدگاه کل‌گرایانه
۳۱۰	۳. روابط اجتماعی
۳۱۰	۴. زندگی روزمره
۳۱۰	۵. محقق به عنوان یادگیرنده
۳۱۱	۶. اطلاعات دست اول
۳۱۱	۷. مردم‌نگار به عنوان ابزار تحقیق
۳۱۱	۸. رویکرد روش‌های چندگانه و اطلاعات متنوع
۳۱۲	۹. رویکرد کنش و واکنش
۳۱۳	۱۰. نظریه و مردم‌نگاری
۳۱۴	۱۱. نمونه‌گیری
۳۱۵	انواع مردم‌نگاری
۳۱۷	روش‌شناسی مردم‌نگاری
۳۱۷	ساخت
۳۱۸	هدف
۳۱۸	روش
۳۱۹	جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مردم‌نگاری
۳۱۹	مصاحبه

۳۲۰	مشاهده
۳۲۳	یادداشت‌های میدانی
۳۲۴	تحلیل داده‌ها
۳۲۶	انواع طرح‌های پژوهشی و مراحل یک تحقیق مردم‌نگارانه
۳۳۱	فصل هفتم: نظریه بنیادی (زمینه‌ای)
۳۳۳	تأثیرات نظری
۳۳۶	انواع رویکردها در نظریه زمینه‌ای
۳۴۵	الزامات روشی
۳۴۷	۱. حساسیت نظری
۳۴۸	۲. نمونه‌گیری نظری
۳۴۹	۳. اشباع نظری
۳۵۰	فرایند تحقیق در نظریه بنیادی
۳۵۴	دشواری‌ها در نظریه بنیادی
۳۵۵	ارزیابی نظریه بنیادی
۳۵۷	فصل هشتم: تحقیق اقدامی
۳۶۱	مبانی منطقی تحقیق اقدامی
۳۶۱	۱. هستی‌شناختی تحقیق اقدامی
۳۶۲	۲. معرفت‌شناختی تحقیق اقدامی
۳۶۳	۳. روش‌شناسی تحقیق اقدامی
۳۶۶	ویژگی‌های تحقیق اقدامی
۳۷۴	بنیان‌های تحقیق اقدامی
۳۷۷	چگونگی انجام تحقیق اقدامی
۳۸۴	مزایا و محدودیت‌های تحقیق اقدامی
۳۸۷	فصل نهم: روش‌شناسی تاریخی-مقایسه‌ای
۳۹۱	پیشینه تحقیقات تاریخی-تطبیقی
۳۹۳	منطق تحقیقات تاریخی-تطبیقی
۳۹۷	تشابهات تحقیق تاریخی-تطبیقی و تحقیق میدانی
۳۹۹	ویژگی‌های منحصربه‌فرد تحقیق تاریخی-تطبیقی
۴۰۱	مراحل یک پروژه تحقیق تاریخی-تطبیقی
۴۰۳	داده‌ها و شواهد تاریخی
۴۰۳	منابع دست اول
۴۰۴	منابع دست دوم

۴۰۵	سوابق جاری
۴۰۵	بازگردآوری
۴۰۵	به‌کارگیری منابع دست اول و دست دوم در پژوهش و محدودیت‌های آنها
۴۰۶	محدودیت‌های منابع دست دوم
۴۰۸	تحقیق با منابع دست اول
۴۰۹	تحقیق تطبیقی
۴۱۰	انواع تحقیقات تطبیقی
۴۱۱	واحدهای مورد مقایسه در تحقیقات تاریخی-تطبیقی
۴۱۲	داده‌ها در تحقیقات میان فرهنگی
۴۱۳	تعصب فرهنگ غربی
۴۱۴	همسانی در تحقیقات تاریخی-تطبیقی
۴۱۵	فصل دهم: روش‌شناسی فمینیستی
۴۱۷	۱. فمینیسم لیبرال
۴۱۸	۲. فمینیسم رادیکال
۴۱۸	۳. فمینیسم سوسیالیستی/مارکسیستی
۴۲۱	معرفت‌شناسی فمینیستی
۴۲۵	روش‌شناسی فمینیستی
۴۲۸	مختصات تحقیق فمینیستی
۴۳۳	روش‌های تحقیق فمینیستی
۴۳۳	۱. قوم‌نگاری فمینیستی
۴۳۵	۲. پژوهش پیمایشی فمینیستی
۴۳۶	۳. پژوهش بین فرهنگی فمینیستی
۴۳۶	۴. تاریخ شفاهی فمینیستی
۴۳۷	۵. تحلیل محتوای فمینیستی
۴۳۹	۶. مطالعات موردی فمینیستی
۴۴۰	۷. پژوهش اقدامی فمینیستی
۴۴۱	۸. پژوهش چندروشی فمینیستی
۴۴۳	منابع و مآخذ

پیشگفتار

تألیف این کتاب محصول سیزده سال تدریس در حوزه روش‌های تحقیق کمی و کیفی و پارادایم‌های علم در مقاطع مختلف تحصیلی از کارشناسی تا دکتری است. توصیه‌های علمی استادان این جانب، آقایان دکتر آقاجانیان، پروفیسور ان دانیل،^۱ پروفیسور لوجوی،^۲ پروفیسور هامفری^۳ و پروفیسور کسلر^۴ بر تمرکز به منطق تحقیق، مباحثات گسترده منطق تحقیق و توصیف پارادایم‌های علم در مقاطع تحصیلات تکمیلی و درخواست دانشجویان مبنی بر مکتوب نمودن این مباحثات باعث شد تا انگیزه لازم برای طراحی و نگارش کتاب حاصل آید. تدوین و طراحی کارگاه‌های پارادایم علم و پژوهش کمی و کیفی نیز علاوه بر این موارد، باعث عملیاتی شدن این انگیزه شدند. در این راستا آشنایی علمی نگارنده با گروه فلسفه علم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زمینه اجرایی این فعالیت را فراهم ساخت که در این رابطه تلاش‌های علمی و اجرایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید حمیدرضا حسنی، مدیر محترم گروه فلسفه و علوم انسانی پژوهشگاه ستودنی است، که موجب تشکر و امتنان است. لازم می‌دانم از رئیس محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، که فرصت تدوین و چاپ اثر را برای نگارنده فراهم نمود، کمال تشکر را داشته باشم. از همه دانشجویان عزیز که با مشارکت در مباحث متعدد روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، زمینه طراحی و ارائه این کتاب را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. کیفیت این کتاب مرهون نظارت و داوری علمی استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد خیر - استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

1. Ann Daniel

2. Lovijouy

3. Humphery

4. Kesller

دانشگاه شیراز- است که نگارنده خاضعانه از راهنمایی‌های ارزشمند ایشان تشکر می‌کنم. از زحمات سرکار خانم حبیب‌تاش برای تایپ اولیه این کتاب و سرکار خانم صفایی برای بازبینی کتاب قدردانی و تشکر می‌نمایم. در نهایت از تمامی عزیزانی که زحمت مطالعه این کتاب را متحمل می‌شوند، درخواست می‌نمایم تا این جانب را از راهنمایی‌های ارزنده خویش بهره‌مند سازند.

دکتر محمدتقی ایمان

دانشیار دانشگاه شیراز

مقدمه

تحقیق، به عنوان مجموعه فعالیت‌هایی که برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که برای انسان پیش می‌آید از ضروریات زندگی اجتماعی انسان است. تحقیق به معنای عام مؤید جستجوی انسان‌ها جهت جواب به سؤال و رفع محدودیت‌ها و مشکلاتی است که ضرورتاً با آنها مواجه می‌شوند. انسان با اتکا بر دانش عامه خود، که محصول جهان‌بینی، تجربیات، تعصبات و پیشداوری‌های اوست و با استفاده از قدرت و توانایی عقلانیت و خلاقیت که در اختیار دارد به موضع‌گیری در مقابل مشکلات، مسائل، رویدادها و پدیده‌های مختلف که با آنها مواجه می‌شود، می‌پردازد. این موضع‌گیری می‌تواند صرفاً ذهنی باشد یا به کنش و یا رفتار در مقابل آن موارد بینجامد. به هر صورت فرایند این موضع‌گیری می‌تواند به عنوان یک فرایند پژوهشی عام مد نظر واقع شود.

دغدغه و نگرانی حاکمان، اندیشمندان، روشنفکران و کارشناسان این بوده است که موضع‌گیری انسان‌ها در مقابل رویدادها چگونه انجام می‌شود؟ تا چه حد این موضع‌گیری درست و معتبر است؟ و چگونه می‌توان آن را اصلاح نمود؟ این نگرانی‌ها باعث شد اندیشمندان بر مجموعه فعالیت‌های سازمان یافته، منطقی، قابل دفاع و قابل ارزیابی‌ای که بتواند به واقعیت و دنیای اجتماعی وارد شود، به طرح مباحث متعددی بپردازند. البته لازم بود این مباحث که با مباحث نظری و صرفاً ذهنی که در حیطه فلسفه و جهان‌بینی قابل دریافت بودند، سازگاری داشته باشد و از طرفی به واقعیت تجربی نیز وارد شود. اگرچه مباحث صرفاً نظری و ذهنی جهت توضیح واقعیت وجود داشت، ولی ناتوانی ورود مستقیم آنها به واقعیت تجربی، باعث می‌شد که مردم در تصمیم‌سازی تجربی و عملیاتی خود

دچار ابهام و سرگردانی شوند و از طرفی اعمال انسانی بدون توجیه نظری و با خطای زیاد توأم گردد.

ضرورت طراحی مدل منطقی برای آسان‌سازی ورود مباحث فلسفی و ایدئولوژیک به دنیای اجتماعی، به بحث پیرامون هویت نظری و علمی پارادایم‌ها یا انگاره‌های علمی کشیده شد. اینکه هر فعالیت علمی نیازمند راهبری نظری است و اینکه راهبری نظری دانش عامه تا چه حد معتبر است و اینکه این دانش تا چه حد می‌تواند به ساختاربندهی زندگی اجتماعی بینجامد و اینکه بنیان‌های فلسفی و ایدئولوژیک تا چه حد به تأیید دانش عامه می‌پردازند، باعث شکل‌گیری پارادایم‌های مختلف فکری در حوزه علم شد. البته به جز بحث نظری ورود به واقعیت، اینکه ماهیت واقعیت چیست؟ ماهیت انسان چیست؟ اهداف علم کدام است؟ ماهیت تبیین چیست؟ جایگاه ارزشی در تبیین کجاست؟ و... پرسش‌هایی بودند که در طراحی مجموعه فعالیت‌ها برای ورود به واقعیت یا همان روش‌شناسی ورود به واقعیت یا دنیای اجتماعی حائز اهمیت بودند. تمامی این پرسش‌ها و هویت راهبرد نظری ورود به واقعیت در همان مدل منطقی علم تحت عنوان پارادایم علم پاسخ داده شد. بنابراین، علم به عنوان فرایند معتبر شناخت دقیق از واقعیت دنیای اجتماعی متکی بر مدل منطقی خود (پارادایم علم) هویت‌یابی گردید.

پارادایم‌های غالب در علم که تمرکز این کتاب بر علوم انسانی است (اثباتی، تفسیری و انتقادی) به هویت‌یابی علم و مسیر علم یا همان روش‌شناسی علمی پرداخته‌اند. بنابراین، در حوزه علوم انسانی، ما صرفاً با یک علم مواجه نیستیم، بلکه علم اثباتی، علم تفسیری و انتقادی معرفی شده‌اند که هر کدام از زاویه روش‌شناسی‌های خاص به تحلیل نظری دنیای اجتماعی و چگونه ورود به آن جهت ایجاد تغییر بر اساس مبانی نظری خود می‌پردازند. اگرچه جامعه علمی ایران به دلایل مختلفی که جای بحث آن در اینجا نیست، بیشتر با یک نوع علم و آن هم عمدتاً علم اثباتی ارتباط داشته و دارند، ولی این ارتباط دلیلی بر نفی و یا عدم وجود علم تفسیری و انتقادی نیست. هر کدام از این فرایندهای علم، ادعای شناخت دقیق و معتبر از واقعیت بر اساس دیدگاه‌های فلسفی و پارادایمی دارند. دو عنصر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی حاکم بر این دیدگاه‌ها تعیین‌کننده هویت و راهگشای ورود علم به واقعیت و دنیای اجتماعی است. بنابراین، تمایز بین علم اثباتی، تفسیری و انتقادی نیز به تفاوت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی حاکم بر آنها مربوط می‌شود؛ که این کتاب به دنبال

آن است تا با معرفی پارادایم‌های علم (در فصل دوم) به شفاف‌سازی این عناصر براساس پرسش‌های پارادایمی این علوم بپردازد.

اگرچه از طریق آموزش، دستاوردهای علم کسب می‌شود، ولی از طریق پژوهش، دستاوردهای علم تولید و عرضه می‌گردد. از این رو، توقع این است که یک اندیشمند و متخصص قابلیت و شایستگی دریافت علم (کسب آموزش) و تولید علم (انجام پژوهش علمی) را داشته باشد. البته مسئولیت سازمان‌ها و مراکز علمی این است که این چنین اندیشمندان و متخصصان را تربیت نمایند تا بتوانند در خدمت توسعه نظام اجتماعی قرار گیرند. جوامعی که این دو شایستگی را به صورت هماهنگ در اندیشمندان، متخصصان و کارشناسان خود دارد، در مسیر توسعه، رونق و تعالی اجتماعی قرار دارند. حذف یکی از آنها یا ناهماهنگی بین آنها باعث می‌شود که کارکرد دانش به نفع توسعه در جامعه نباشد و آن جامعه بیشتر به سمت وارد کردن علم و دانش کشانده شود که پیامد آن نیز می‌تواند تجربه توسعه‌نیافتگی، بی‌سازمانی اجتماعی، بحران‌های اجتماعی و گسترش تراکم مسئله به جای حل مسئله باشد. از طرفی در کشوری مانند کشور ما ایران، که تسلط آموزش بر پژوهش وجود دارد و هویت پژوهش بسیار مبهم و غیراثربخش است، شاهد طرح مباحث صرفاً نظری هستیم؛ که این مباحث چون از مبانی پارادایمی و نظری روشی برخوردار نیست، به بی‌تعدالی و بی‌سازمانی در جامعه منجر شده است. در این کتاب به نحوی با پیامدهای ناشی از عدم برداشت درست و انجام صحیح پژوهش علمی با ذکر مواردی از جامعه خود آشنا می‌شویم.

تقید اعتقادی و نظری به یکی از پارادایم‌های غالب علم باعث می‌شود که به مسیر عملیاتی تولید یا همان روش‌شناسی علم نیز تعهد نظری و عملیاتی برقرار شود. پارادایم‌های علم، دو مسیر متفاوت و متمایز از یکدیگر تحت عنوان مسیر کمی و مسیر کیفی تولیدات علم را پیشنهاد نموده‌اند. این دو مسیر تحت عنوان دو رویکرد تحقیقاتی در منابع و مراجع آموزشی روش‌شناسی و یا روش تحقیق معرفی شده‌اند. این دو رویکرد به اهداف کاملاً متفاوتی خواهند رسید. برای مثال در رویکرد کمی به تبیین و پیش‌بینی می‌رسیم؛ در حالی که در رویکرد کیفی به اکتشاف تفسیری و یا ایجاد تحول انتقادی خواهیم رسید. دلیل رسیدن به اهداف متفاوت حکایت از تفاوت روش‌شناسی حاکم بر این رویکردها دارد. روش‌شناسی‌های کمی و کیفی به ترسیم فرایندهای مجزا در تحقیقات علوم انسانی

می‌پردازند. روش‌شناسی کیفی به صورت اساسی به راهنمایی محقق جهت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در راستای کشف معنا و فهم تجربه می‌پردازد. در مقابل، روش‌شناسی کمی پیشنهاد جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های کمی یا حقایق اجتماعی به محققان دارد. برای انجام فعالیت‌های تحقیق، به وسیله هر یک از این روش‌شناسی‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های خاصی به محققان معرفی شده است. برای مثال، استراتژی‌های تحقیق کیفی شامل قوم‌نگاری‌ها، تحقیق میدانی، مشاهده مشارکتی، تحلیل محتوا، مصاحبه‌ها و تاریخ‌های شفاهی می‌باشند (برگ،^۱ ۱۹۹۵: ۳). در حالی که روش‌های کمی به صورت مرسوم شامل: پرسش‌نامه‌ها، پیمایش‌ها، مقیاس‌ها، متغیرها، آزمایش‌ها و روابط بین عوامل اجتماعی است. اساساً هویت این روش‌ها در قسمت روش‌شناسی‌های کمی و کیفی تعیین می‌شوند. در مجموع، شاخص اساسی تفکیک در انتخاب روش به این موضوع برمی‌گردد که آیا محقق به دنبال دستیابی به اطلاعات در قالب اعداد است، یا معنا؟ اطلاعات عددی، کمی و شمارشی مؤید تحقیق کمی است؛ در حالی که اطلاعات با معنا، ذهنی و تفهیمی بیانگر تحقیق کیفی است. روش‌شناسی تحقیق تعیین‌کننده چگونگی دستیابی به اطلاعات و ترسیم فرایندی است که اطلاعات حاصل می‌شود. در همین راستا چگونگی ارزیابی اطلاعات کمی و کیفی نیز در روش‌شناسی‌های کمی و کیفی ارائه می‌شود. برای مثال، در ارزیابی اطلاعات کمی اصالت با شمارشی بودن اطلاعات است؛ در حالی که در تحقیق کیفی صرفاً بر تجربی بودن اطلاعات تمرکز می‌شود (جی آر اتن، ۱۹۸۳: ۱۴۴). البته این تمایزها به نحوی تداعی‌کننده تفاوت در معرفت‌شناسی حاکم بر تحقیقات کمی و کیفی نیز هست. در این راستا، تحقیق کیفی به سمت ارزش‌گذاری بر اصالت ذهنیت، معنای شخصی، تعریف شخصی، اصالت توده مردم و توانمندسازی افراد تحت ستم فعال است؛ در حالی که، تحقیق کمی در جهت اصالت عینیت، آزمون نظریه‌ها، پیش‌بینی و فارغ از ارزش بودن متمایل است. مقایسه منطقی روش‌شناسی‌ها یا رویکردهای کمی و کیفی از دیگر اهداف این کتاب است که در فصل چهارم بدان پرداخته شده است.

اگرچه این کتاب با هدف بحث پیرامون روش‌شناسی‌های کمی و کیفی نگارش شده، پس از طرح چیهستی تحقیق در فصل اول و بررسی معانی پارادایمی منطقی این روش‌شناسی‌ها، در فصل دوم ضرورت پرداختن به روش‌های تحقیق کمی و کیفی نیز

1. Berg

مشخص گردید. تنوع منابع فارسی پیرامون رویکرد روش‌های کمی باعث شد نویسنده به طرح و تکرار روش‌های کمی نپردازد، از این رو کمبود منابع فارسی پیرامون روش‌های تحقیق کیفی انگیزه‌ای شد تا فصل‌های پنجم تا دهم کتاب بدین موضوع اختصاص یابد. به همین دلیل، روش‌شناسی پدیدارشناسی در فصل پنجم، روش‌شناسی مردم‌نگاری در فصل ششم، روش‌شناسی نظریه بنیادی در فصل هفتم، روش‌شناسی تحقیق اقدامی در فصل هشتم، روش‌شناسی تاریخی-مقایسه‌ای در فصل نهم و روش‌شناسی فمینیستی در فصل دهم ارائه شده‌اند.

صفحة ٨ خالی است

فصل اول

چیستی تحقیق و معرفت علمی

تحقیق، به معنای جستجو و بررسی کردن است. در چه مواقعی انسان اقدام به جستجو یا بررسی می‌کند و در جستجو عملاً چه اتفاقی می‌افتد؟ جستجو و بررسی زمانی انجام می‌شود که انسان در مقابل یک ابهام، نگرانی، ناراحتی، سختی و... قرار دارد و برای فهم این موارد و نهایتاً یافتن راهی جهت خلاصی یا تخفیف آنها اقدام به بررسی یا جستجو می‌کند. جستجو می‌کند که این موارد چه هستند؟ چرا به وجود آمده‌اند؟ و چگونه می‌توان آنها را رفع کرد؟ بنابراین، انسان مواردی را مشاهده، تجربه و یا به نحوی با مواردی به صورت ملموس و محسوس درگیر می‌شود که برای درک آنها به ناچار پیرامون آنها اقدام به بررسی یا جستجو می‌کند. در جستجو، بررسی و یا تحقیق پیرامون این موارد، آنچه محور قرار می‌گیرد و نقش‌آفرینی اساسی جهت شکل‌گیری درک و فهم انسان از آنها را به عهده دارد، پرسش یا پرسش‌هایی است که انسان درباره آنها از خود می‌پرسد. سؤالاتی مانند: این موارد چه هستند؟ چرا ایجاد شده‌اند؟ و چگونه رفع می‌شوند؟ در خدمت درک و فهم انسان قرار می‌گیرند. مجموعه فعالیت‌هایی را که انسان در جهت پاسخ به این پرسش‌ها انجام می‌دهد تحقیق نامیده می‌شود.

تحقیق با محوریت سؤال شکل می‌گیرد. به همین لحاظ تحقیق را فعالیت سؤال یا مسئله‌محور می‌نامند. انسان در طول حیات زندگی خود در مقابله با دیگران و طبیعت مرتباً در معرض ابهامات، ناراحتی‌ها، سختی‌ها و دشواری‌هایی قرار می‌گیرد که برای شناسایی آنها و نهایتاً پیروزشدن بر آنها اقدام به طرح سؤالاتی پیرامون آنها می‌نماید. در این راستا سؤالات می‌توانند متفاوت و متنوع باشد و از راه‌های مختلف به جواب برسد. همه فعالیت‌ها یا مراحل را که انسان دنبال می‌کند تا به طرح سؤال و جواب برسد، فرایند تحقیق

نامند. بنابراین، تحقیق ضرورتاً در زندگی اجتماعی انسان‌ها وجود دارد و همگان به نحوی درگیر این فرایند هستند. اینکه امروزه دانشمندان بحث تحقیقاتی علمی می‌کنند، به دنبال طرح فرایندها یا مجموعه فعالیت‌هایی هستند که از خصیصه علمی برخوردار باشند. این به معنای آن نیست که صرفاً دانشمندان تحقیق می‌کنند، بلکه آنان اقدام به تحقیق علمی می‌نمایند. مسئولیت دانشمندان آن است که: تحقیق یا جواب به سؤالات از اعتبار و پایایی لازم برخوردار باشد. شناسایی ابهامات، ناراحتی و سختی‌ها به صورت شفاف، صحیح، خارج از تعصب و پیشداوری و توهمات انجام شود. سؤال یا مجموعه سؤالاتی که بر این ابهامات، ناراحتی‌ها و سختی‌ها و... ارائه می‌شوند، باید هدفمند، منطقی، سازمان یافته و به دور از تعصبات و پیشداوری‌ها باشند. فرایند جواب به این سؤالات نیز از صحت و اعتبار لازم برخوردار باشد.

مشکل، مسئله و تحقیق علمی

آنچه که انسان در زندگی اجتماعی خود تجربه و مشاهده می‌کند، یا به نحوی ملموس و محسوس با آن درگیر می‌شود و به نحوی از آن دغدغه پیدا می‌کند، تحت عنوان مشکل قابل طرح است. مشکل هر چیز سخت شده و ناراحت‌کننده است که انسان را به لحاظ فکری، روحی و فیزیکی درگیر می‌کند. البته باید گفت که صرفاً با دیدن، تجربه کردن یا حس کردن مشکل، نمی‌توان آن را شفاف کرد و یا برطرف نمود. اساساً مشکل، عینی و منفی است که برای درک روشن و شفاف آن و اینکه در مسیر برطرف نمودن قرار گیریم، نیازمند طرح سؤال یا سؤالات بر آن هستیم. طرح سؤال یا سؤالات بر مشکل، به معنای ارتقای مشکل از عینیت به ذهنیت است. با انتزاعی شدن مشکل، انسان دچار مسئله می‌شود. مسئله ذهنی و مثبت است. مثبت بدین معنا که مشکل از طریق مسئله در مسیر حل قرار می‌گیرد و با طرح مسئله، محوریت تحقیق شکل می‌گیرد. به همین لحاظ است که تحقیق را سؤال یا مسئله محور می‌نامند. انسان با طرح سؤال یا ارائه مسئله درصدد ارتقای فهم، درک و به عبارتی، دانایی خود از ابهامات است؛ که این امر در فرایند تحقیق قابل دسترسی است. پس تحقیق در خدمت دانایی و آگاهی انسان است.

محققان و اندیشمندان با طرح تحقیقات علمی درصدد ارتقای آگاهی و دانایی انسان از موارد مبهم از طبیعت و زندگی اجتماعی انسان‌ها هستند. اگرچه انسان‌ها ضرورتاً با ابهامات

برخورد می‌کنند و به نحوی با طرح سؤالات، به پاسخ‌هایی نیز می‌رسند و براساس پاسخ‌ها اقدام به توجیه، تفسیر یا تبیین آنها می‌کنند و نهایتاً چگونگی انطباق و یا دخالت جهت تغییر را عملیاتی می‌نمایند، ولی اندیشمندان درصدد سازماندهی و منطقی نمودن این فرایندها هستند. بنابراین اگرچه انسان‌ها به صورت عام با تحقیق درگیر می‌باشند ولی اندیشمندان علاقه‌مندند با تحقیق علمی درگیر شوند. انجام تحقیقات علمی اساساً متکی بر ضرورت تحقیق در زندگی انسان‌هاست. به همین لحاظ است که اندیشمندان مسئولیت دارند تحقیقات علمی آنان به لحاظ اخلاقی به کمک انسان‌ها برای ارتقای آگاهی و دانایی آنها از یک طرف و رفع مشکلات آنان از طرف دیگر بشتابد. به همین دلیل است که تحقیقات علمی در قالب تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی به جامعه انسانی عرضه می‌شود. بنابراین، تحقیقات علمی، مستقل از طبیعت یا جامعه انسانی انجام نمی‌شود.

واقعیات مورد مطالعه و بررسی تحقیقات علمی همان است که انسان‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با آنها درگیر هستند. هرگونه فعالیت علمی جهت کالبدشکافی معتبر این واقعیات در جهت ارائه اطلاعات درست به مردم و اصلاح نگرش آنان است. تحقیقات علمی به علت حضور در فرایند اصلاح و بازسازی نگرش و درک انسان‌ها از خودشان، از طبیعت و ارتباط با یکدیگر و طبیعت است که در خدمت اعتلای انسان و جوامع انسانی قرار دارد. اینجاست که بحث توسعه و پیشرفت علمی به صورت جدی مطرح می‌شود. هر چند انسان‌ها صرفاً براساس تجربه‌ها، تصورها و در کل، دانش عامه اقدام به درک پدیده‌ها و رویدادهای طبیعی و انسانی می‌کنند که می‌تواند توأم با خطای زیاد باشد، ولی علم و تحقیقات علمی درصدد اصلاح این فرایند به درک معتبر و صحیح است. البته این بدان معنا نیست که تمامی انسان‌ها موظفند محقق علمی شوند، بلکه منظور طراحی ساختارهای اجتماعی براساس مبانی علمی و راهبردی تربیت اجتماعی انسان‌ها در آن ساختارهاست تا انسان‌ها به هر طریقی اقدام به جواب سؤالات یا حل مسائل خود نمایند.

از زاویه این دیدگاه، تحقیق یک فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله است. فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله نیز خود یک فرایند تصمیم‌سازی است. بنابراین، تحقیق در حقیقت همان فرایند مسئله‌یابی و حل مسائل است که یک نظام اجتماعی در سطوح کلان، میانی و خرد با آن مرتبط است. اینکه تا چه حد تصمیم‌سازی‌ها در سطوح مختلف یک نظام اجتماعی، دقیق، معتبر، یا علمی است، نشانه فعال بودن تحقیقات علمی و تصمیم‌سازی علمی در جامعه

است. اینکه به صورت مرسوم مرتباً بحث از تصمیمات پژوهش محور می‌شود، به علت نقش فعال تحقیقات علمی در طراحی و اجرایی نظام اجتماعی در سطوح ساختاری، میانی و خرد است. از این منظر، مردم در زندگی روزمره خود مرتباً درگیر فرایندهای تصمیم‌سازی هستند. آنان با سؤالات و مسائلی روبه‌رو می‌شوند و به پاسخ‌هایی نیز می‌رسند. اینکه چگونه این سؤالات یا مسائل شناسایی می‌شوند، تعریف می‌شوند و نهایتاً به پاسخ می‌رسند، در اعتبار تصمیم‌سازی‌های مردم مهم و اساسی است. بنابراین، از این لحاظ رواج و گسترش تحقیقات علمی به منزله گسترش تصمیمات معتبر در جامعه است. چنان که در زندگی اجتماعی مردم، شاهد گسترش و تزايد مشکلات و مسائل اجتماعی باشیم و به جای حل مشکلات مرتباً تراکم مشکلات را مشاهده نماییم، باید فرایند تصمیم‌سازی‌های جامعه و نقش تحقیقات علمی در آن را زیر سؤال برد. بنابراین، تحقیق به عنوان فرایند سؤال محور، مسئله محور و یا حتی ایده محور با فرایند تصمیم‌سازی عجین است.

اینکه در یک نظام اجتماعی به چه دلیل، یا دلایلی تحقیقات علمی دچار مشکلات می‌شود؟ و یا چرا تحقیقات علمی در فرایند تصمیم‌سازی‌ها نقش آفرینی فعال با رویه علمی ندارند؟ نیازمند آسیب‌شناسی علمی تحقیقات در آن جامعه است. به هر صورت بحث این است که جامعه، بی‌نیاز از تصمیم‌سازی و تحقیق نیست و هر فعالیتی که در جهت تصمیم‌سازی در راستای مسئله‌یابی و حل مسئله صورت می‌پذیرد، فعالیت علمی نیست. اینکه چه فعالیتی علمی است در جای خود بحث خواهد شد.

تحقیق علمی یا حل عقلایی مسئله

گفتگو پیرامون تحقیق، به انسان مربوط می‌شود. انسان توانایی انجام تحقیق دارد. انسان است که برای رفع ابهامات، کاهش مشکلات و جواب به سؤالاتی که در ذهن او به وجود می‌آید، اقدام به فعالیت‌های قابل تشخیص، قابل تعریف و حتی قابل پیش‌بینی می‌کند. انجام این عمل متکی بر توانایی ذاتی انسان است. اگرچه در مباحث روان‌شناسی به استعداد و توانایی‌های متعدد انسان متأثر از خصیصه‌های فردی و گروهی او پرداخته می‌شود، در کل می‌توان انسان را با دو توانایی و استعداد در رابطه با فرایند تحقیق یا پژوهش معرفی کرد:

۱. استعداد و توانایی حل عقلایی مسئله؛

۲. توانایی و استعداد حل خلاقانه مسئله.

این دو توانایی از عقلانیت و خلاقیت انسان نشأت می‌گیرد. انسان براساس قدرت عقل به تشخیص و تمیز می‌رسد. عقلانیت در انسان همان قدرت تمایزگذاری، تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌ها و تشخیص مرزها و محدودیت‌هاست. دوام و پایداری، ثبات و ماندگاری فعالیت‌های انسان در گروه عقلانیت اوست. این در حالی است که انسان براساس قدرت خلاقیت اقدام به نوآوری، شکوفایی، ساخت‌وسازهای جدید اجتماعی، خطرپذیری، اختراع، ابداع و... می‌نماید. خلاقیت، انسان را به سمت رهایی، آزادی و تحول‌خواهی می‌کشانند در حالی که عقلانیت، انسان را به ثبات، ماندگاری، دوام و مرزبندی در زندگی ترغیب می‌کند. این دو توانایی نیز در هویت‌یابی نظام اجتماعی و چگونگی استمرار آن نقش اساسی دارند. نظام‌های اجتماعی در طراحی و تدوین مناسبات اجتماعی که محوریت جامعه را به عهده دارند اقدام به فعالیت‌های عقلایی می‌نمایند، در حالی که در طراحی ساخت‌وساز فرهنگ از پتانسیل خلاقیت اعضای خود استفاده می‌کنند. اگرچه بحث عقلانیت و خلاقیت در نظام‌های اجتماعی بحث مفصلی است و مکاتب فکری در علوم اجتماعی با اتکای بر این دو عنصر، نظریات متعددی را در تحلیل نظام‌های اجتماعی و چگونگی تغییر و تحول آنان عرضه داشته‌اند، ولی عرصه پژوهش و تحقیق علمی با محوریت عقلانیت انجام می‌شود.

تحقیق علمی به دنبال توصیف، کشف و یا تبیین قواعد و مناسباتی است که براساس آنها رویدادها و پدیده‌ها قابل تحلیل و ارزیابی باشند. تمرکز بر قواعد و مناسبات و اینکه لازم است اتفاق نظر بر آنها انجام شود و از اعتبار لازم برخوردار شود، متعلق به حوزه عقلانیت است. بنابراین، تحقیق، مجموعه فعالیت‌های عقلایی در جهت جواب به سؤالات یا حل مسائلی است که در ذهن انسان به وجود می‌آید. البته در تحقیقات علمی، ما با فعالیت‌های سازمان‌یافته و مورد اتفاق نظر اندیشمندان روبه‌رو هستیم و اینکه تحقیق تا چه حد عقلانی است، نیز براساس ارزیابی‌های خاص باید تأیید شود. اینکه انسان براساس قدرت خلاقیت نیز اقدام به مسئله‌یابی و حل مسئله می‌کند نیز کاملاً صحیح و درست است. انسان علاوه بر حل عقلایی مسئله به حل خلاقانه مسئله نیز می‌پردازد که از ملاک‌ها و خصیصه‌های متفاوتی برخوردارند. البته حل خلاقانه مسائل، موضوع بحث این کتاب نیست.

تحقیق یا حل عقلایی مسئله یک مفهوم بامعناست. زمانی که واژه تحقیق را می‌بینیم یا کسی به ما ابلاغ می‌کند، به سرعت به انجام فعالیت‌های خاصی فکر می‌کنیم. یا به عبارتی

یک ساخت و ساز اجتماعی به ما منتقل می‌شود. به همین لحاظ، تحقیق یک سازه اجتماعی است و هر سازه اجتماعی به لحاظ چیستی، چرایی و چگونگی آن قابل بررسی است. چیستی تحقیق حل عقلایی مسئله، چرایی آن به ضرورت زندگی اجتماعی و ارتقای دانایی انسان و چگونگی به انجام فعالیت‌های مشخص و آن هم در مراحل معینی اطلاق می‌شود. اکنون که با واژه تحقیق به صورت کلی آشنا شدیم لازم است با تمرکز بر تحقیق علمی مختصات یک تحقیق علمی (آن هم بر تحقیق علمی در حوزه علوم انسانی) بپردازیم.

تحقیق مجموعه فعالیت‌های سازمان یافته‌ای در جهت جواب به سؤالات است که از سوی اندیشمندان و محققان انجام می‌شود. براساس تحقیقات علمی به دنبال جواب به سؤالاتی درباره جهان اجتماعی هستیم، این سؤالات در واقع همان سؤالات تحقیق هستند. این سؤالات اولاً باید شفاف و معتبر طرح شوند و ثانیاً براساس مجموعه اطلاعات معتبر از واقعیت تجربی قابل پاسخ گردند. با طرح سؤالات در تحقیقات علمی به دنبال کسب معرفت از واقعیت تجربی به نحوی هستیم که بتوان به آن واقعیت وارد شد و اقدام به تغییر یا دستکاری در آن نمود. البته این تغییر یا دستکاری جهت حل مشکل با کسب اطلاعات و شناخت دقیق انجام می‌شود. قابل ذکر است که تحقیق علمی که با محوریت سؤال با مسئله انجام شود، باید با سؤالات پژوهشی درگیر شود، نه با سؤالات آموزشی. ویژگی سؤالات آموزشی این است که جواب آنها ارائه شده‌اند ولی ما از آنها آگاهی نداریم. اینکه شخصیت چیست؟ فرهنگ چیست؟ تعریف نهاد کدام است؟ فرایند جامعه‌پذیری چگونه انجام می‌شود؟ و...، سؤالاتی آموزشی هستند. این سؤالات را می‌توان با توجه به منابع موجود علمی پاسخ داد. این موارد هیچ‌گاه به عنوان سؤال یا مسئله پژوهشی در فرایند پژوهش جهت جواب قرار نمی‌گیرند. سؤالات پژوهشی متکی بر آگاهی و دانایی است. ما می‌دانیم که جواب سؤال روشن و مشخص نیست و نیازمند فعالیت‌های تحقیقاتی بر آن است. سؤالات پژوهشی در تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی، متفاوت هستند، ولی تمام آنها از این خصیصه برخوردارند که محقق می‌داند که نمی‌تواند صرفاً با رجوع به افراد یا منابع موجود به پاسخ برسد. سؤالات پژوهشی مجهولاتی‌اند که بر اثر جهل و نادانی محقق ایجاد نشده‌اند و محقق پاسخ آنها را با توجه به میزان دانایی موجود خود نمی‌داند و رجوع به افراد و منابع موجود نیز کمکی به پاسخ جز روشن شدن مسیر فعالیت محقق برای رسیدن به پاسخ نمی‌کند. برای مثال اگر محقق به دنبال یافتن عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی

دانش‌آموزان در یک ناحیه یا منطقه خاص است، لازم است که تحت فرایند تحقیق علمی به این عوامل دست یابد. در این حالت، نه مباحث نظری موجود توان ورود مستقیم به واقعیت تجربی مورد نظر را دارند و نه نتایج تحقیقات دیگران که در زمان یا مکان خاصی انجام شده، می‌توانند عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی در گروه مورد مطالعه محقق را به صورت دقیق ارائه دهند. در این حالت محقق با یک مسئله پژوهشی روبه‌روست که حل مسئله جز از راه یک پژوهش علمی امکان‌پذیر نیست.

تحقیقات علمی به عنوان فرایندهای عقلانی جواب به سؤالات یا مسئله پژوهشی از سوی اندیشمندان و یا محققانی انجام می‌شوند که متکی بر تفکر منطقی و پیروی از قواعد یا هنجارهای علمی مشخص، از مراحل معین جهت ورود به واقعیات تجربی پدیده‌های مورد مطالعه استفاده می‌کنند. تمامی عناصر، تکنیک‌ها و ابزارهایی که محقق در فرایند تحقیق استفاده می‌کند، متکی بر توجیهات منطقی است که مورد اتفاق نظر اجتماعی از اندیشمندان قرار گرفته‌اند. همین امر است که تحقیق را علمی می‌کند و به عبارتی، اصالت تحقیق علمی را به روش‌شناسی آن، مربوط می‌سازد. در تحقیقات علمی، روش‌شناسی به مجموعه‌ای از عقاید، قوانین، تکنیک‌ها و رویکردهایی اطلاق می‌شوند که جامعه علمی اندیشمندان به کار می‌برند (نیومن،^۱ ۱۹۹۷: ۹۱). زمانی که بین اندیشمندان بحث از علمی بودن یا نبودن علوم اجتماعی مطرح بود، دفاع اصلی از علوم اجتماعی به علمی بودن روش‌شناسی آن مربوط می‌گردید. علمی بودن روش‌شناسی بدین معنا که در فرایند تحقیق علمی علوم اجتماعی یک ارتباط منظم و سازمان‌یافته بین سطح نظری (نظریه یا ایده) و حقایق اجتماعی به وجود می‌آید. به سخن دیگر، محقق یک ترکیب سازمان‌یافته و هدفمند بین تفکر منطقی و مشاهده دقیق تجربی از پدیده یا رویداد مورد مطالعه خویش ایجاد و ارائه می‌دهد. در این حالت است که حقایق و یا اطلاعات بامعنا جهت تحلیل و تبیین پدیده یا رویداد مورد نظر محقق ایجاد می‌گردد. گفتنی است که در فرایند ترکیب، حساسیت محقق جهت رعایت اخلاق علمی و میزان مهارت تحقیقاتی او باید به حدی باشد که واقعیت آن‌طوری که هست بازتاب یابد و نتایج تحقیق از اعتبار لازم جهت ارائه در مجاری علمی موجود برخوردار باشد.

1. Neuman

تحقیقات علمی از مجموعه مراحل و عناصر سازمان یافته مورد اتفاق نظر اجتماعاتی از اندیشمندان پیروی می‌نمایند. این عناصر و مراحل مدون، هماهنگ و سازمان یافته به منزله یک سیستم در خدمت تحقیقات علمی قرار دارند. براساس این سیستم است که معرفت علمی تولید و گسترش می‌یابد. این سیستم که در طول سالیان متمادی به جامعه علمی عرضه شده، شاهد تغییراتی کند بوده است. در این سیستم به صورت مستقیم و غیر مستقیم شاهد عناصری هستیم که به نحوی ماهیت جهان و هستی، ماهیت معرفت، روش شناسی و روش (مجموعه‌ای از ابزار و تکنیک‌ها) که در خدمت تولید معرفت علمی هستند ارائه می‌نمایند. بنابراین، هرگونه معادل سازی تحقیق علمی و تنزل آن به سطح روش کاملاً اشتباه است. متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی آموزشی در تدوین روش‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی همین امر است. مراکز علمی جامعه ما بدون پرداختن به منوط تحقیق علمی، صرفاً فراگیران را به آموختن تکنیک و ابزارهای تحقیق دعوت می‌کنند. این سطح مهارت، صرفاً برای گردآوری اطلاعاتی استفاده می‌شود که فراگیر نمی‌داند چگونه به این اطلاعات رسیده است و یا پس از جمع‌آوری باید چه فعالیتی به لحاظ تحلیلی و نظری با این اطلاعات نماید و یا اساساً فراگیر به لحاظ اصولی نمی‌تواند درک کند که چرا رویکردهای مختلفی در تحقیقات علمی علوم اجتماعی (مانند رویکرد کمی، رویکرد کیفی و رویکرد ترکیبی) وجود دارند؟ مبنای منطقی این رویکردها چه تفاوتی دارند؟ چگونه و در چه حالتی می‌توان از کدام رویکرد استفاده نمود؟

تحقیق علمی علوم انسانی به عنوان فرایند طرح سؤالات پژوهشی و پاسخ به این سؤالات به دنبال تولید و بازتولید معرفت علمی از رویدادها و پدیده‌های انسانی است. معرفت علمی به صورت سازمان یافته تحت نظریه علمی ارائه می‌شود. نظریه علمی یا همان تئوری است که در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاست) وجود دارد. نظریه را می‌توان به عنوان ایده‌ها یا انتزاعات به هم مرتبط شده اطلاق نمود که معرفت سازمان یافته و متراکم را از دنیای اجتماعی عرضه می‌دارند. اندیشمندان و محققان از طریق تحقیقات علمی سعی دارند تا با اتکای بر تفکر منطقی، اقدام به مشاهدات دقیق از رفتار و یا فعل و انفعالات پدیده مورد مطالعه نمایند. در این راستا از تکنیک و ابزارهای تخصصی و حرفه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود. این اطلاعات با تکنیک‌های علمی تحلیل اطلاعات جهت ساختن، حمایت و یا رد نظریات مورد استفاده قرار می‌گیرند. اطلاعات در حقیقت مدارک

تجربی یا داده‌هایی هستند که محقق با دقت لازم جمع‌آوری می‌کند. اطلاعات می‌توانند کمی (مثلاً، عددی) یا کیفی (مثلاً در قالب کلمات، تصاویر و اشیا) باشند. اطلاعات کمی مربوط به مشاهدات محقق از تجربیات افراد مورد مطالعه خود است که از طریق حواس (لامسه، شنوایی، بویایی، چشایی و بینایی) به دست آورده‌اند. اطلاعات کیفی اگرچه بر تجربیات تأکید دارد، ولی تجربیات را با بار معانی تعریف می‌کند که در این حالت اطلاعات با اصالت ذهنیت به جای عینیت تعریف می‌شوند. البته بحث عینیت و ذهنیت مربوط به رویکردهای کمی و کیفی تحقیق، یا به عرصه کمیّت و کیفیت در تحقیقات علمی مربوط است که در فصول بعدی به آنها پرداخته می‌شود.

تحقیقات علمی سعی بر کسب اعتبار از اجتماعات علمی دارد. اجتماعات علمی با طرح هنجارهای علمی و رعایت این هنجارها در تحقیقات، ضمانتی بر علمی بودن تحقیق هستند. جامعه علمی با طرح پیش‌فرض‌ها، ایستارها و تکنیک‌های خاص، به حیات علم کمک جدی می‌کند (نیومن، ۱۹۹۷: ۷). جامعه علمی یک جامعه‌ای کاملاً حرفه‌ای و متشکل از افرادی است که بر اساس مجموعه‌ای از هنجارها، ایستارها و رفتارها به یکدیگر پیوسته‌اند و ضامن نگهداری اخلاق در تحقیقات علمی می‌باشند. جامعه علمی اندیشمندان به این لحاظ یک جامعه است که افراد آن در یک ارتباط متقابل منظم با یکدیگر قرار دارند و ضامن تداوم این ارتباط، به اشتراک گذاشتن اصول اخلاقی، عقاید، ارزش‌ها، تکنیک‌هایی است که در فرایند تولید و گسترش علم نقش آفرینی دارند. محققان و کارشناسان خارج از جامعه علمی اگر به پیش‌فرض‌ها، عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌های پژوهشی جامعه اعتقاد و باور داشته باشند، می‌توانند از مسیر و فنون پژوهشی جامعه استفاده نمایند و یافته‌های تحقیق خود را در مجاری علمی جامعه علمی منتشر کنند. آنچه که در یک جامعه علمی مهم است تقیّد به باورهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حاکم بر جامعه از سوی اعضای آن جامعه است، اگرچه بعضی اصول در بین جوامع علمی مشترک است (مانند، اخلاقیات تحقیق، روشمند بودن تحقیق و ارتباط بین‌ذهنی جهت ارائه یافته‌های تحقیق) ولی بر حسب اینکه جهان‌بینی و پارادایم فکری حاکم بر جامعه علمی (که در فصول بعد به آن پرداخته شده است) چیست، تقیّدات خاصی نیز بر جامعه علمی سایه می‌اندازد (مانند اصالت علت یا دلیل، اصالت ساختار یا کارگزار، اصالت تعمیم یا تعمیق، اصالت فهم یا تبیین، اصالت وحدت یا کثرت... (فی، ۱۳۸۳: ۱۶).

تحقیقات علمی علوم انسانی می‌تواند با اهداف اکتشاف^۱، توصیف^۲ و یا تبیین^۳ سراغ رویدادها و یا پدیده‌ها اجتماعی برود (نیومن، ۱۹۹۷: ۱۸-۲۱). گفتنی است اگر اهداف تحقیقات علمی بر حسب مبانی پارادایمی آنها مورد توجه قرار گیرد می‌توان از توصیف، اکتشاف، تبیین و نهایتاً ایجاد تحول نام برد. در فصل دوم سعی بر طرح مبنای پارادایمی تحقیقات علمی شده است که در آنجا انواع پارادایم‌های علمی و موضع آنها در تحقیقات علمی بیان شده است. بر حسب اهداف یاد شده باید گفت که علوم انسانی با سه پارادایم غالب (اثبات‌گرایی^۴، تفسیری^۵ و انتقادی^۶) مواجه است. هر کدام از این پارادایم‌ها بر حسب اصول هستی‌شناختی^۷، معرفت‌شناختی^۸ و روش‌شناسی^۹ سعی بر ترسیم هویت تحقیقات علمی داشته‌اند. این پارادایم‌ها با ترسیم مسیر تحقیقات علمی و تعیین اهداف، چگونگی حرکت محقق در مسیر تحقیق (روش تحقیق) تبیین می‌کنند. طرح رویکردهای کمی (اثباتی) و کیفی (تفسیری، انتقادی) متأثر از موجودیت و تسلط این پارادایم‌ها در نگرش محققان است. در رابطه با اهداف پارادایمی تحقیقات نیز هدف توصیف متعلق به کلیه پارادایم‌های فکری، اکتشاف اساساً متعلق به پارادایم تفسیری، تبیین مربوط به پارادایم اثباتی و ایجاد تحول متعلق به پارادایم انتقادی است. تحقیقاتی که با هدف توصیف انجام می‌شوند به دنبال جواب به سؤال «چه» هستند. در جواب به این سؤال، محقق می‌تواند: نیم‌رخ دقیقی از افراد یا گروه مورد مطالعه ارائه نماید و فرایند، مکانیزم یا رابطه‌ای را توصیف کند. توزیع آماری خصیصه و یا ویژگی‌هایی را بیان نماید (مانند توزیع فراوانی) و اطلاعاتی را برای سطح عمیق‌تر تحلیل (اکتشاف، تبیین و ایجاد تحول) ارائه نماید، اطلاعات زمینه‌ای را در اختیار محقق قرار دهد، دسته‌بندی‌ها یا پاسخ‌شناسی‌هایی را بر حسب اطلاعات ارائه کند و مراحل را شفاف سازد. تحقیقات اکتشافی نیز به دنبال جواب به سؤال «چه» هستند، ولی عمیق‌تر از توصیف. اگر در بعضی موارد بحث از اکتشاف به عنوان مقدمه تحقیقات تبیینی به کار می‌رود، ولی به لحاظ پارادایمی اکتشاف به دنبال درک معناست. محقق با تحقیقات اکتشافی سراغ مواردی می‌رود که از آنها اطلاعات چندانی ندارد. محقق از طریق تحقیقات

1. Exploration
3. Explanation
5. Interpretive
7. Ontology
9. Methodology

2. Description
4. Positivism
6. Critical
8. Epistemology

اکتشافی می‌تواند با حقایق اساسی در زندگی اجتماعی مردم آشنا شود. تصویری روشن از فضای فکری و ایده‌هایی که در یک موقعیت قرار گرفته است، ارائه نماید، ایده‌هایی را در راستای تئوری‌پردازی توسعه دهد، به انجام تحقیقات بعدی یا تکمیلی دامن زند و سؤالات یا موارد قابل مطالعه را ارائه نماید.

تحقیقات تبیینی متمرکز بر سؤال «چرا» است. در این‌گونه تحقیقات، محقق به دنبال این است که به چه علت یا علل، رویداد یا واقعه‌ای رخ داده است. تحقیقات تبیینی اگر متکی بر نظریه و از طریق مدل‌سازی تحقیق و رعایت اصولی که روایی داخلی و خارجی را تضمین می‌کند، انجام شود، می‌تواند به کشف روابط علی احتمالی که یکی از اصول پارادایم اثباتی است، دست یابد. در تحقیقات تبیینی محقق از طریق فرضیه‌سازی به دنبال آزمون نظریه است. بنابراین اگرچه در تحقیقات اکتشافی متکی بر پارادایم تفسیری، محقق به دنبال نظریه‌پردازی است، ولی در تحقیقات تبیینی می‌توان به آزمون نظریه پرداخت. زمانی که محقق اقدام به تبیین رویدادی می‌کند، می‌تواند به بیانات عمومی و مشترک با خصیصه روابط علی دست یابد، که این امر اساس و بنیان پیش‌بینی است. بنابراین، براساس تبیین می‌توان اقدام به پیش‌بینی نمود. در این راستا، استفاده از تکنیک‌های آماری و آزمون مدل تحقیق جهت دستیابی به تبیین و پیش‌بینی ضرورت دارد.

تحقیقات با هدف ایجاد تحول متعلق به پارادایم انتقادی در علوم اجتماعی است. نظریه انتقادی معتقد به اصالت تحول به جای اصالت تعادل و ثبات است. محققان انتقادی به دنبال تبیین شرایط و مقتضیات به نحوی هستند که بتوان آنها را به وضع دیگری منتقل نمود (فی، ۱۹۸۷: ۲۷). در فرایند تحقیقات انتقادی سعی بر کسب معرفت از لایه‌های زیرین واقعیت است. سطح ظاهر اصالت ندارد و محقق باید بتواند با استفاده از رویکردهای کیفی (مانند روش‌شناسی‌های قوم‌نگاری انتقادی،^۱ تحقیق اقدامی^۲ و تحقیق مقایسه‌ای-تاریخی^۳) به سطح زیرین واقعیت جهت ایجاد تحول هدفمند و متکی بر تئوری انتقادی وارد شود. به غیر از تمایزات موجود در تحقیقات علمی بر مبنای اهداف پارادایمی، می‌توان با توجه به اهداف علمی و روشی که تحقیق علمی دنبال می‌نماید، آن را به تحقیقات بنیادی و کاربردی دسته‌بندی نمود. تحقیق بنیادی با هدف گسترش مرزهای دانش انجام می‌شود. هدف تحقیق

1. Critical Ethnography

2. Action Research

3. Historical-Comparative Research

بنیادی کسب دانش و آگاهی جدید بدون در نظرگیری ارزش آنها در ایجاد تغییرات اجتماعی است. در این‌گونه تحقیقات انگیزه تحقیق بر مبنای کنجکاوی محقق در کشف اصول و قواعد کل حاکم بر روابط پدیده‌ها شکل می‌گیرد. تحقیقات کاربردی اساساً با هدف حل مشکلات در جهت تأمین سعادت و رفاه مردم انجام می‌شود. در تحقیقات کاربردی از روش‌شناسی علمی جهت جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تبیین مسائل اجتماعی در راستای مقابله با آنها استفاده می‌شود. تحقیقات کاربردی و بنیادی در هدف، محتوا و روش با یکدیگر متفاوتند. بیک‌من^۱ (۱۹۸۱) معتقد است: تحقیقات بنیادی با هدف ایجاد و بسط دانش فراگیر به پاسخ و پرسش‌های واحد و کشف روابط و اثرات معنی‌داری آماری انجام می‌شوند. در حالی که تحقیقات کاربردی در پی شناخت و بررسی مشکلات به پاسخ و پرسش‌های متعدد و کشف روابط یا اثرات معنی‌داری کاربردی می‌باشند.

هدریک و همکاران (۱۳۷۸) در مقایسه بین تحقیقات کاربردی و بنیادی بر حسب تفاوت در روش‌ها معتقدند: تحقیقات کاربردی متمرکز بر اعتبار بیرونی، تبیین معلول، تجزیه و تحلیل چند سطحی، استفاده از روش‌های متعدد، متکی بر طرح‌های شبه‌تجربی^۲ و مشاهدات غیر مستقیم است، در حالی که تحقیقات بنیادی به لحاظ روش در پی اعتبار درونی، تبیین علت، تجزیه و تحلیل یک سطحی، استفاده از روش واحد، طرح‌های تجربی و مشاهدات مستقیم است.

فری‌من و روسی^۳ (۱۹۸۴) نیز در مقایسه تحقیقات بنیادی و کاربردی معتقدند که تحقیقات بنیادی در معرفت نظری مشارکت دارند، در حالی که تحقیقات کاربردی بر اساس نتایج کاربردی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنان اشاره بر نوع و میزان موفقیت تحقیقات بنیادی و کاربردی دارند. میزان موفقیت در تحقیقات بنیادی بر حسب ظهور نتایج آن در نشریات علمی و میزان تأثیری است که بر جامعه علمی اندیشمندان دارد. در حالی که در تحقیقات کاربردی میزان موفقیت به این امر بستگی دارد که تا چه حد نتایج در تصمیم‌سازی‌های حمایت‌کنندگان این تحقیقات دخالت می‌کند.

اکنون که با مفهوم بامعنای تحقیق یا پژوهش به صورت عام و علمی تحت عنوان فرایند حل عقلانی مسئله یا پاسخ به سؤال (سؤالات) پژوهشی آشنا شدیم، لازم است برای ورود

1. Bikman

2. Quasi-experimental designs

3. Freeman and Rossi